Archive of SID.ir

Biquarterly Journal
of
Iran's Economic Essays
Vol.20, No.40, Autumn & Winter 2023-2024

دوفصلنامهٔ علمی
جستارهای اقتصادی ایران
س۲۰، ش۴۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صفحات ۷-۳۰

مقاله علمی-پژوهشی

Ethical Risk Management in Partnership Contracts of the Banking System Based on Islamic Teachings

Alireza Lashkari ❋

Abbas Yaqubzadeh Mojarrad ❋❋

Mohammad Khalili ❋❋❋

Abstract

According to researchers, one of the main factors that prevent the widespread use of cooperative contracts by Islamic banks is the existence of moral hazard in the relationship between the bank and the recipient of the facility. The existence of the problem of moral hazard has caused non-participatory financing with fixed returns to find an important place in Islamic banking and these types of contracts are preferred over partnership contracts. Despite the various solutions that have been presented to solve this challenge, the challenge of moral hazard is still considered as an important obstacle in the implementation of partnership contracts. In this research, it has been tried to use an internal solution based on Islamic jurisprudence to regulate partnership contracts to manage moral risks. In the model of the proposed contract, the capital owner, by giving up his share in exchange for a certain amount of the final product, clearly motivates the agent to work harder and removes the bias.

Keywords: Ethical risks (Kazmanshi), partnership contracts, estimation, deed (acceptance), farm.

Classification JEL: G24, G21, G32.

❋ Assistant Professor, Economics, Research Institute and University, Qom, Iran, alilashkari@rihu.ac.ir

❋❋ Ph.D. student, Islamic Economics, Hohza Research Institute and University, Qom, Iran (corresponding author), yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

❋❋❋ Level 3 scholar of Mashkat seminary in Tehran, khalilil77@outlook.com

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دوفصلنامهٔ علمی
جستارهای اقتصادی ایران
س ۲۰، ش ۴۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صفحات ۷-۳۰
مقاله علمی-پژوهشی

Biquarterly Journal
of
Iran's Economic Essays
Vol.20, No.40, Autumn & Winter 2023-2024

مدیریت مخاطرات اخلاقی (کژمنشی) در عقود مشارکتی نظام بانکی براساس آموزه‌های اسلامی

علیرضا لشکری *
عباس یعقوب‌زاده مجرد **
محمد خلیلی ***

چکیده

یکی از اصلی‌ترین عواملی که از نظر پژوهشگران مانع استفاده گسترده بانک‌های اسلامی از عقود مشارکتی شده، وجود مخاطره اخلاقی (کژمنشی) در رابطه بانک و گیرنده تسهیلات است. وجود مسئله مخاطره اخلاقی باعث شده که تأمین مالی غیرمشارکتیِ دارای بازدهی ثابت، جایگاهی مهم در بانکداری اسلامی پیدا کند و این نوع قراردادها نسبت به قراردادهای مشارکتی ترجیح داده شوند. باوجود راهکارهای متنوعی که برای رفع این چالش ارائه شده، هنوز چالش مخاطرات اخلاقی به‌عنوان یک مانع مهم در اجرای عقود مشارکتی محسوب می‌شود. در این تحقیق تلاش شده است براساس آموزه‌های فقهی-اسلامی از راهکاری درونی برای تنظیم عقود مشارکتی جهت مدیریت مخاطرات اخلاقی استفاده شود. در الگوی قرارداد پیشنهادی، صاحب سرمایه با واگذاری سهم خود در مقابل مقداری مشخص از محصول نهایی، به‌روشنی انگیزه عامل را برای تلاش بیشتر فراهم می‌کند و زمینه کژمنشی را برطرف می‌کند.

واژگان کلیدی: مخاطرات اخلاقی (کژمنشی)، عقود مشارکتی، تخمین، قباله (تقبّل)، مزارعه.

طبقه‌بندی JEL: G32, G21, G24.

* استادیار، اقتصاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران alilashkari@rihu.ac.ir
** دانشجوی دکتری، اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول) yaghoobzadeh@rihu.ac.ir
*** دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه مشکات تهران khalilil77@outlook.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

باوجود مزیت تسهیم سود در عقود مشارکتی (PSR)[1] نسبت به دیگر روش‌های تأمین مالی، با لحاظ انگیزه سرمایه‌گذار و عامل در پروژه و رعایت ماهیت حقوقی آنها، امکان بهره‌مندی مؤثر از عقود مشارکتی هنوز فراهم نشده است (رنجبر، ۱۳۹۷). یکی از اصلی‌ترین عواملی که از نظر پژوهشگران، مانع استفاده گسترده بانک‌های اسلامی از قرارداد مشارکت شده، وجود مخاطره اخلاقی[2] یا کژمنشی در رابطه بانک و گیرنده تسهیلات است. وجود مسئله مخاطره اخلاقی باعث شده که تأمین مالی غیرمشارکتی دارای بازدهی ثابت جایگاه مهمی در بین بانکداران اسلامی پیدا کند و این نوع قراردادها نسبت به قراردادهای مشارکتی ترجیح داده شوند (ذوالفقاری، مروی و توتونچیان، ۱۳۹۹).

مخاطره اخلاقی یا کژمنشی یکی از موضوعات مطرح در مبحث اطلاعات نامتقارن می‌باشد. منظور از اطلاعات نامتقارن شرایطی است که سطح اطلاعات عوامل اقتصادی با یکدیگر متفاوت است و مثلاً یک عامل اقتصادی مواردی را می‌داند که عامل دیگر از آن بی‌اطلاع است. اطلاعات نامتقارن، به دو دسته کلی کژگزینی و کژمنشی تقسیم می‌شود. کژگزینی[3] در شرایطی اتفاق می‌افتد که اطلاعات پنهان وجود دارد؛ یعنی شرایطی که یکی از طرفین قرارداد مثل تسهیلات‌گیرنده اطلاعاتی در مورد ویژگی‌های خود مانند میزان تخصص، توانایی و دیگر انگیزه‌هایش دارد؛ درحالی‌که طرف مقابل یعنی بانک چنین اطلاعاتی ندارد و این اطلاعات در چگونگی انجام پروژه و موفقیت آن مؤثر است. کژمنشی نیز مربوط به شرایطی است که عمل پنهان وجود دارد و یکی از طرفین قرارداد مثلاً بانک نمی‌تواند عملکرد طرف دیگر یعنی گیرنده تسهیلات را مشاهده کند و متوجه نخواهد شد که آیا او کار را به‌خوبی و با دقت و تلاش و مراقبت انجام می‌دهد یا خیر (watt, 2011, p.173). درواقع، کژمنشی زمانی به وجود می‌آید که افراد قصد دارند در شرایطی که اقدامات هریک از آنها بر توزیع احتمال ثمره کار مؤثر است، به تقسیم ریسک بپردازند؛ درحالی‌که رفتار یک طرف قرارداد (عامل) بر دیگری پنهان است (ذوالفقاری، مروی و توتونچیان، ۱۳۹۹).

در مسائل بانکداری مشارکتی، مشکل خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد و در انتهای فعالیت شرکت است و آن هنگامی است که متقاضیان تأمین مالی، فعالیت‌ها و عمل خود را در اجرای طرح پنهان می‌کنند. هنگامی‌که بانک ب ه درخواست متقاضیِ تسهی لات مشارکتی پاسخ گفته و سرمایه لازم را در اختیار او بگذارد و بدون حضور و نظارت کافی، از متقاضی در انتهای فعالیت شرکت

1. Profit Sharing Ratio
2. Moral Hazard
3. adverse selection

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

درخواست ارائه گزارش سود و زیان کند، در این هنگام احتمال وقوع مشکل «خطر اخلاقی» وجود دارد؛ یعنی وقتی‌که متقاضی بدون نظارت بانک (به‌عنوان شریک دیگر) فعالیت اقتصادی را به اتمام برساند و هر یک از شرکاء در انتها برای تسویه‌حساب و تقسیم سهم موظف به ارائه گزارش فعالیت‌های خود باشند، در این هنگام احتمال دو انحراف وجود دارد: نخست، در ارائه گزارش سود و زیان، هزینه‌های طرح را بیش از مقدار واقع نشان دهند و دوم، سود حاصل از فعالیت را کمتر از واقع گزارش کنند. در هر دو حالت باعث کاهش سود بانک خواهد شد. این مشکل هنگامی برای بانک بروز خواهد کرد که بنا به ماهیت قرارداد مشارکت در انتهای فعالیت اقتصادی بخواهد سهم هر یک از شرکاء را از سود و زیان تقسیم کند (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷).

مسئلهٔ نامتقارن بودن اطلاعات می‌تواند به تخصیص ناکارای منابع در یک اقتصاد منجر شود. چه‌بسا تسهیلات پرداخت‌شده به متقاضیان نالایق، چنانچه در اختیار افرادی قرار گیرد که این تسهیلات را در فعالیت‌های مولد به کار برند، موجب بهبود رشد اقتصادی کشور شود. همچنین، اطلاعات نامتقارن می‌تواند یکی از عوامل ایجادکننده «ریسک اعتباری» باشد.[1] عدم بازپرداخت به‌موقع تسهیلات، موجب مطالبات معوق برای بانک‌ها می‌شود و گردش وجوه در بانک را با مشکل مواجه می‌کند (طغیانی، صمدی و صادقی، ۱۳۹۴)؛ زیرا ممکن است برخی از مشتریان از رانت اطلاعاتی شخصی به نفع خود استفاده کنند و از بازپرداخت وام‌های دریافت شده خودداری کرده یا تسهیلات گرفته‌شده را غیر از محل موردتوافق بانک صرف نمایند (زاهدی‌وفا و قوامی، ۱۳۹۰)

درصورتی‌که در قرارداد مشارکت، بانک در جایگاه یکی از شرکاء بخواهد در طی مدت انجام فعالیت اقتصادی کنترل و نظارت مستمر داشته باشد، لازمه آن اطلاع یافتن از جزئیات فعالیت در طول مدت اجراست. اطلاع یافتن از جزئیات فعالیت از طریق فرستادن ناظر در مدیریت و اجرای فعالیت اقتصادی و یا تدبیر روشی برای انجام این عمل امکان‌پذیر است. لزوم نظارت و کنترل در قراردادهای مشارکت و متعاقباً هزینه‌های مربوط از جمله مهم‌ترین عللی است که بانک‌ها و مؤسسات مالی، یا اصلاً به سمت استفاده از این نوع اعطای تسهیلات نروند و یا اینکه با استفاده از تبصره‌های مختلف و تغییر ماهیت قرارداد مشارکت به شکل صوری از آن استفاده کنند (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷).

چالش‌های ناشی از کژمنشی در عقود مشارکتی به‌عنوان چالش اصلی تحقق بانکداری بدون ربا تلقی شده است؛ به‌گونه‌ای‌که به اعتقاد طالبی و کیایی (۱۳۹۱) اساساً به دلیل قابلیت‌های نهادی بانک‌ها از یک‌سو و ویژگی‌های عقود مشارکتی از سوی دیگر، امکان صحیح اجرای عقود

۱. «ریسک اعتباری» به معنای احتمال عدم بازپرداخت تسهیلات یا تأخیر در بازپرداخت تسهیلات توسط متقاضی است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مشارکتی در نظام بانکداری محل خدشه است. استفاده از منابع سپرده‌گذاران عمدتاً ریسک‌گریز و نبود توان تخصصی در نظارت و اجرای پروژه‌های عقود مشارکتی، از مهم‌ترین خصوصیات نهاد مالی بانک است که با اجرای مشارکت در تعارض است. در صورت اجرای عقود مشارکتی، دیگر نرخ سود بانکی نمی‌تواند به‌عنوان نرخ سود کم‌ریسک ملاکی برای ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها باشد. همچنین همراهی با سیاست‌های بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی دچار خدشه می‌شود.

وارد[1] (۲۰۰۰) نیز ضمن اشاره به برخی از مشکلات معمول در بانک‌های دنیا مانند مواجهه با وام‌های بد، عنوان می‌دارد که بانک‌های اسلامی علاوه بر مشکلات معمول در بانک‌های دنیا، با سطح دیگری از مشکلات نیز مواجه هستند که از آن تعبیر به «مخاطره اخلاقی اسلامی» می‌کند و منظور از آن حالت‌هایی از مخاطره اخلاقی است که به دلیل شرایط فرهنگی اجتماعی کشورهای اسلامی ایجاد می‌شود. وی چهار بستر برای به وجود آمدن مخاطره اخلاقی اسلامی برمی‌شمرد که اولین بستر آن ناشی از آن است که در جوامع اسلامی اصل بر این گذاشته می‌شود که بانک‌ها و مشتریان‌شان افرادی باتقوا هستند و به‌عنوان مسلمان هیچ‌گونه خیانت یا دزدی نمی‌کنند و در این شرایط برخی از مشتریان یا کارمندان بانک با اقدامات ریاکارانه مرتکب تخلف می‌شوند و مخاطره اخلاقی اتفاق می‌افتد. بستر دوم این است که به استناد برخی قواعد دینی از پاسخگویی بانک‌ها در مقابل قسمتی از عملکردشان ممانعت می‌شود که این موضوع فضایی غیرشفاف را به وجود آورده و باعث بروز مخاطره اخلاقی می‌شود. بستر سوم مربوط به ابهاماتی است که در نظام حقوقی کشورهای اسلامی وجود دارد که مربوط به برخی از دستورات اسلام مبنی بر ضرورت مدارا و بخشش در رابطه با قرض‌گیرنده‌ای که در شرایط سختی قرار دارد. این مسئله قرض‌گیرندگان را ترغیب می‌کند که خود را در شرایط سختی تظاهر نمایند. این در حالی است که در بانکداری متعارف چنین چیزی وجود ندارد و بانک‌ها با استفاده از ابزارهایی همچون جریمه تأخیر و اخذ وثیقه منافع خود را حفظ می‌کنند. بستر چهارم نیز در رابطه بانک و سپرده‌گذار است؛ بانک قاعدتاً باید سود خود را به نسبتی که قبلاً مشخص شده بین خود (سهامداران بانک) و مشتریانی که سپرده سرمایه‌گذاری دارند تقسیم کند، اما ممکن است بانک‌ها از عدم تقارن اطلاعات سوءاستفاده نموده و نسبت بیشتری برای خود بردارند و نسبت کمتری به سپرده‌گذاران بدهند (ذوالفقاری، مروی و توتونچیان، ۱۳۹۹).

البته به نظر می‌رسد چنین دیدگاهی ازآنجا ناشی می‌شود که ماهیت بانکداری اسلامی که همان ارتباط واقعی بخش پولی با بخش واقعی از طریق سازوکار عقود اسلامی است، مورد غفلت

1. Warde

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قرار گرفته باشد. بانکداری متعارف بر اساس نرخ بهره بدون ریسک، طراحی شده است و با تصور چنین ماهیتی برای بانکداری اسلامی، احیاء عقود پرریسک مشارکتی برای نظام بانکی بی‌معنا تلقی می‌گردد، درحالی‌که بانکداری اسلامی، به دنبال مشارکت در سود و زیان واقعی است. ازاین‌رو در مقابل این دیدگاه، برخی از اندیشمندان اقتصادی مسلمان معتقدند با رفع چالش‌های عقود مشارکتی می‌توان بانکداری بدون ربا را احیاء نمود. دسته‌ای از آن‌ها معتقدند که بانکداری مشارکتی می‌بایست به پروژه‌های بزرگ اختصاص یابد. زیرا نظارت بر این پروژه‌ها ساده‌تر و با هزینه‌های کمتری قابل انجام است. به اعتقاد نظرپور و لطفی‌نیا (۱۳۹۳) صندوق‌های پروژه‌محور به‌عنوان یکی از نهادهای فعال در بازار سرمایه به دلیل درگیر بودن با بخش واقعی اقتصاد و حضور مستقیم در این بخش و همچنین داشتن ارکان تخصصی همچون ارزشیاب، حسابرس و متولی، توانایی کمک به بانک‌ها برای اجرای صحیح عقود مشارکتی را دارا می‌باشند.

دسته دیگر معتقدند از طریق سازوکارهای مختلفِ کنترلِ مخاطرات اخلاقی، می‌توان عقود مشارکتی را در سطوح مختلف در بانک به‌طور صحیح اجرا نمود. راهکاری که در آیین‌نامه‌های بانک مرکزی –مصوب تاریخ ۹۲/۶/۲۶توسط شورای پول و اعتبار– وجود دارد، آن است که جهت جلوگیری از مخاطرات اخلاقی، گیرنده تسهیلات ذیل ماده ۱۱ آیین‌نامه مشارکت مدنی موظف می‌شود مدیریت منابع و مصارف موضوع مشارکت را به نحوی به انجام رساند که در پایان دوره مشارکت، سهم‌الشرکه متعلق به بانک، به‌علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت، اعلامی از سوی شریک، به حساب بانک منظور گردد. در غیر این صورت شریک ملتزم و متعهد می‌گردد سهم‌الشرکه متعلق به بانک، به‌علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده به بانک را صلح و تبرعاً از اموال خود تأمین و پرداخت نماید.

همان‌طور که مشخص است وجود چنین شرایطی که اساساً مخالف با مقتضای عقود مشارکتی است، ماهیت آن را به عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت نزدیک می‌کند. بر اساس آموزه‌های دینی، تعلق سود بازده و ارزش‌افزوده به دارایی‌ای که ریسک آن توسط مالک، پذیرفته نشده ممنوع است. اسلام با منع سود و ارزش‌افزوده از هرگونه دارایی‌ای که مخاطره آن توسط مالک پذیرفته نشده است، سیطره بر چنین سود و ارزش‌افزوده‌ای را غیرشرعی و باطل می‌داند. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در تبیین مفاد آن می‌نویسد: «مادامی‌که مالی برای فردی ضمانت شده باشد به‌گونه‌ای که اگر آن مال تلف شد، ثمن آن برایش محفوظ باشد، در این صورت دیگر حق سود بردن از آن مال وجود نخواهد داشت. همان‌طور که در باب ربا، قرض گیرنده از طریق قرض گرفتن، ضامن مال قرض دهنده بر ذمه‌اش می‌شود. فلذا قرض دهنده دیگر نمی‌تواند از قرض گیرنده طلب ربح و سود کند» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸ق).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیشینه

پیشنهاد صدر (۱۳۸۴) جهت کاهش مخاطرات اخلاقی، افزودن قیدهایی به‌عنوان شرایط معامله است. برای نمونه می‌توان گیرنده تسهیلات را مقید کرد که در پروژه‌های پرخطر سرمایه‌گذاری نکند یا می‌توان متقاضی را مقید کرد پروژه سرمایه‌گذاری‌اش را حتماً بیمه کند و یا او را مجبور به سپردن وثیقه نمود (صدر، ۱۳۸۴)، که البته با توجه به شرایط تورمی کشور، این راهکار قدیمی، در عمل، بازدارندگی موفقی به همراه نداشته است.

نصرآبادی و شعبانی (۱۳۸۷) برای کاهش مشکلات ناشی از اطلاعات نامتقارن در قرارداد مشارکت توصیه می‌کنند از روش «قراردادهای تشویقی» استفاده شود، این پیشنهاد موجب تحریک متقاضی برای تلاش بیشتر در فعالیت اقتصادی و تحقق سود بیشتر خواهد شد. برای ایجاد انگیزه و تشویق در شریک ابتدا باید حداقل مورد انتظار از بازدهی طرح مشخص شود؛ این مقدار بازدهی در صورت تحقق به نسبت سرمایه طرفین (بانک و شریک) تقسیم می‌شود. مبحث ایجاد انگیزه و تشویق از بازدهی بیشتر نسبت به حداقل بازدهی مورد انتظار شروع می‌شود، در این بازدهیِ اضافی می‌توان سهم شریک را از سود افزایش داد و یا اینکه می‌توان تمام آن را به شریک پرداخت کرد. این باعث تشویق و ایجاد انگیزه برای تلاش هرچه بهتر و بیشتر از جانب شریک در اجرای صحیح قرارداد مشارکت خواهد شد (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷). زاهدی‌وفا نیز معتقد است افزایش سهم پرداختی در عقود مشارکتی، موجب افزایش تلاش متقاضی می‌گردد (زاهدی‌وفا و قوامی، ۱۳۹۰).

پیشنهاد دیگر آن است که از یک نظام اطلاعاتی برای افزایش اطلاعات و کاهش اطلاعات نامتقارن استفاده کرد. در این نظام مشخصات، سوابق اجرایی و دیگر اطلاعات متقاضیان ثبت می‌شود و در دسترس تمام بانک‌های مربوط قرار می‌گیرد (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷). بهاروندی و احمدی حاجی‌آبادی (۱۳۹۱) معتقدند سیاست‌های مکملی همچون تشکیل کمیته ویژه نظارت بر طرح موردنظر در بانک، استفاده از ناظران متخصص، کارآمد و متعهد، نظارت مستمر از فعالیت اجرایی و هزینه‌ای مجری باعث می‌شود احتمال نظارت و بازرسی از منظر بنگاه افزایش پیدا کرده و به عبارتی احتمال ارائه گزارش نادرست توسط وی کاهش یابد. این درحالی است که مقوله نظارت و نیز کسب اطلاعات از وضعیت گیرندگان تسهیلات دارای هزینه است و به‌ویژه در شرایطی که تعداد گیرندگان تسهیلات زیاد باشد این هزینه بسیار بالا خواهد بود؛ ازاین‌رو این راهکارها در مقام عمل قابلیت اجرایی بالایی نخواهند داشت.

به‌منظور کاهش مشکلات ناشی از اطلاعات نامتقارن پایبندی افراد به اصول اخلاق اسلامی می‌تواند از آثار سوء کژمنشی جلوگیری نماید. عبدلی، مهرآرا و محمدپور (۱۳۹۶) معتقدند فراهم

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نمودن بستر لازم برای پایبندی مشتری به اخلاق و اعتماد بانک به مشتری در راستای کاهش آثار سوء عدم تقارن اطلاعات ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، تقویت کدهای اخلاقی مانند امانتداری و صداقت و رعایت اصول اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام می‌تواند زمینه بروز پدیده کژمنشی را کاهش دهد.

همچنین، پرداخت تدریجی تسهیلات عقود مشارکتی به متقاضی به‌صورت مرحله‌ای، جهت اعمال نظارت بیشتر توصیه شده است (رنجبر، ۱۳۹۷). توصیه سیاستی ذوالفقاری، مروی و توتونچیان (۱۳۹۹، ص۲۴۵) نیز آن است که نظام بانکی با ایجاد یک شبکه جامع اطلاعاتی متمرکز و یکپارچه بانکی براساس امکان استفاده مناسب از حافظه سیستم در نظام بانکی می‌تواند به کاهش مخاطرات اخلاقی کمک کند. این موضوع در قالب بانکداری متمرکز قابلیت پیاده‌سازی دارد. در این بستر نیاز است قواعد لازم جهت ارزیابی عملکرد مشتریان و امتیازدهی به آنها و چگونگی تأثیر این امتیازات در وضعیت مشتریان در دوره‌های بعدی وضع شود تا براساس‌این، سازوکارهای رتبه‌بندی شکل بگیرد و افراد براساس عملکردشان در هر دوره رتبه‌بندی شوند. این راهکار نیز براساس سابقه عملکرد افراد طراحی شده است و برای افرادی که سابقه‌ای نداشته یا سابقه کمی دارند، کارایی چندانی ندارد.

باوجود راهکارهای متنوعی که در حل این چالش مطرح شده است، همچنان شاهد عدم استقبال به بانکداری مشارکت در سود و زیان[1] هستیم. همان‌طورکه ذکر شد راهکارهای مختلف ارائه شده و هر یک نقاط ضعفی دارد که به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل کژمنشی را برطرف کند. البته در این میان، راهکار تسهیم سود و افزایش سهم عام ل تا حدی مؤثر می‌باشد؛ اما نیاز است با کمک طراحی‌های جدید تقویت شود. در این نوشتار تلاش شده است براساس طراحی الگوی جدید قرارداد مشارکت مبتنی بر افزایش انگیزش عامل، به‌طور درونی مشکل مخاطرات اخلاقی را مدیریت نماید. راهکاری که تاکنون از این منظر به آن اشاره نشده است و منشأ اصلی آن به آموزه‌های اصیل فقهی برمی‌گردد؛ ولی متأسفانه تاکنون مغفول واقع شده است.

جایگاه تقارن اطلاعات در آموزه‌های اسلامی

بررسی بازار اسلامی نشان می‌دهد برابری و شفافیت اطلاعات و صداقت میان طرفین یکی از ارکان مهم معاملات اسلامی است. اسلام با در نظر گرفتن عدم تقارن اطلاعات از همان نخست در پی

1. PLS

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ارائه مدلی از بازار بوده که مشکل اطلاعات نامتقارن در آن به حداقل رسیده و با منع معاملات مبتنی بر جهالت و نهی معاملات غرری می‌کوشد اطلاعات طرفین معامله به کامل‌ترین اندازه ممکن برسد. اسلام همواره به وجود اطلاعات نامتقارن در مناسبات اقتصادی توجه داشته و با تشریح دستورات گوناگون در جهت حذف اطلاعات نامتقارن برآمده است. ازاین‌رو، برای از بین بردن اطلاعات نامتقارن دو روش کلی را بیان می‌کند: یکی عمل به تعالیم و دستورات اسلام که با توصیه‌های درونی و انگیزشی در پی افزایش نظارت درونی فرد مسلمان است و دیگری تشریع نهادهای حقوقی که به‌عنوان ناظر بیرونی به کاهش پیامدهای این عدم تقارن در بازار می‌پردازند (صالحی و حیدری، ۱۳۹۶).

اکثر نصوص شرعی مربوط به بازار اسلامی و احکام واجب مبادله‌کنندگان در آن (مانند تحریم نجش، منع تلقی رکبان، منع پنهان کردن عیوب کالا و به‌طور عموم منع هر نوع فریبکاری) ضرورت و فایده عملی ندارند، مگر آنکه فرض کنیم دو طرف معامله دارای اطلاعات مساوی نیستند؛ بنابراین، فرض عدم‌تساوی اطلاعات، خود مقوله‌ای وصفی است که بسیاری از نصوص و امرونهی‌های شرعی مرتبط با بازار به‌طور ضمنی بر آن مبتنی هستند. درحالی‌که بیشتر تحلیل‌های بازار در اقتصاد متعارف به‌ویژه بازار رقابتی به‌طور صریح یا ضمنی بر این فرض استوار است که دو طرف مبادله، اطلاعات برابر دارند (انس زرقا، ۱۳۸۳).

همچنین، وجود هر یک از مؤلفه‌های اصلی اهلیت، قصد و رضایت، تسهیل‌گر تقارن اطلاعات است. عقل، بلوغ، اختیار و نداشتن حجر لازمه اهلیت برای ورود به معامله است. بدون هر یک از این عوامل بستر گردش اطلاعات مخدوش می‌شود. صغیر، مجنون و محجور، قادر به دریافت، پردازش و مبادله اطلاعات نیستند. قصد و رضایت نیز بیانگر عزم و آزادی گردش اطلاعات است (صالحی و حیدری، ۱۳۹۶). در بازار اسلامی در کنار احکام و آموزه‌های توصیه شده، سازوکار دیگری تحت عنوان خیارات جهت کاهش عدم تقارن اطلاعات اندیشیده شده که در صورت رعایت این اصول می‌توان عدم تقارن اطلاعات را کاهش داده و از این طریق کارایی معاملات را بالا برد. درواقع، اسلام با قرار دادن خیارات به‌عنوان جزئی از مبادله بستری را فراهم می‌آورد تا فردی که به‌واسطه کمبود اطلاعات دچار زیان می‌شود بتواند به‌راحتی به حقوقش دست یابد و از این رهگذر حق برخورداری از حداکثر سهولت، کارایی و آرامش در فرایند مبادله تضمین می‌شود (صالح‌نیا، ابراهیمی و پویا، ۱۳۹۶). بنابراین، رعایت موازین اسلامی در باب معاملات، به بیشتر شدن شفافیت، تعادل، ثبات و درنهایت کارایی بازار منجر می‌شود که طرفین معامله

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

احساس اطمینان و امنیت کنند و معاملات به وقت و تلاش کمتری نیاز خواهد داشت که در این صورت هزینه‌های مبادله نیز کاهش می‌یابد.

مدیریت مخاطرات اخلاقی (کژمنشی) در عقود مشارکتی

عقود مشارکتی از لحاظ اقتصادی جزء معاملات پرریسک محسوب می‌شوند؛ زیرا سود قرارداد، پیش از انجام پروژه، مقدار مشخص و ثابت ندارد؛ بلکه سود احتمالی پس از انجام پروژه به نسبت مشخصی تسهیم می‌شود. ازآنجایی‌که سود احتمالی به عوامل مختلفی بستگی دارد، قابلیت پیش‌بینی دقیق نسبت به آن وجود ندارد و چه‌بسا طرفین قرارداد دچار ضرر شوند. به‌دیگرسخن، ماهیت عقود مشارکتی عبارت است از ریسک‌پذیری طرفین قرارداد. منظور از ریسک‌پذیری تمامی خطرات و خسارت وارد بر آورده فعالان اقتصادی در عقود مشارکتی، اعم از صاحبان سرمایه یا عاملان است. ریسک عامل مربوط به عایدی است و ریسک صاحب سرمایه افزون‌بر عایدی، نسبت به تلف یا خسارت اصل سرمایه نیز هست (شاکری و توکلی، ۱۳۹۷).

ازسوی‌دیگر همان‌طورکه پیش‌تر اشاره شد، تحت یک قاعده اصطیادی، کسب سود از سرمایه بدون پذیرش ریسک جایز نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸). ازاین‌رو امکان تضمین پرداخت اصل و سود قرارداد توسط عامل وجود ندارد.؛ ازاین‌رو هرچند صاحب سرمایه و عامل در سود احتمالی حاصل از پروژه شریک می‌باشند، ولی ضرر احتمالی پروژه به صاحب سرمایه وارد می‌شود و نمی‌توان عامل را در ضرر احتمالی به سرمایه، ضامن قرار داد؛ به‌ویژه در عقد مضاربه، آشکارا به این مطلب اشاره شده است. در روایتی با سند صحیح چنین آمده است: «**عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ مَنِ اتَّجَرَ مَالًا وَ اشْتَرَطَ نِصْفَ الرِّبْحِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ وَ قَالَ مَنْ ضَمَّنَ تَاجِراً فَلَيْسَ لَهُ إِلَّا رَأْسُ مَالِهِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنَ الرِّبْحِ شَيْءٌ**» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۲۴۰). امام باقر ﷺ نقل می‌کند که امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: هر کسی مالی را به‌عنوان تجارت قبول کند و نصف سود را شرط کند بر آن کس ضمانی نیست و همچنین فرمود: هر کسی تاجر (عامل) را ضامن کند (عامل، ریسک سرمایه را قبول نماید) برای او حقی جز اصل سرمایه‌اش نیست و چیزی از سود نصیبش نمی‌شود. کسی که تاجر و عامل مضاربه را ضامن نماید، چیزی از سود را مالک نخواهد شد؛ یعنی اگر صاحب سرمایه ریسک سرمایه در مضاربه را بر عهده عامل قرار دهد و وی را ضامن اصل سرمایه بداند، در این صورت نسبت به سود حاصل از تجارت و مضاربه حقی پیدا نمی‌کند. درواقع، سود و ربح تنها با پذیرش ریسک سرمایه جایز است. به نظر می‌رسد همان‌گونه‌که از برخی فقها نقل شده است که

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

وقتی در مضاربه شرط شود که ریسک سرمایه بر عهده عامل باشد این عقد منقلب به قرض می‌شود و صاحب سرمایه نسبت به سود حقی پیدا نمی‌کند (یوسفی، قنبرزاده و کلاهدوزان، ۱۴۰۱).

ازاین‌رو، در آموزه‌های اسلامی درخصوص عقود مشارکتی، ویژگی‌هایی گنجانده شده است که تا حد زیادی مخاطرات اخلاقی ناشی از نااطمینانی موجود در عقود مشارکتی را کنترل نماید. برخی از این ویژگی‌ها به‌طورکلی در همه عقود مشارکتی لحاظ شده است و برخی دیگر هرچند در باب خاصی مثل مزارعه مطرح شده است، اما قابلیت تطبیق بر دیگر عقود مشارکتی را نیز دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

الف) جایز بودن عقود مشارکتی

قرارداد یا عقد تعهدی است بین دو نفر یا بیشتر که در آن به توافق رسیده‌اند. قراردادها از لحاظ امکان فسخ یک‌سویه به دو دسته تقسیم می‌شوند: لازم و جایز. قرارداد لازم آن است که طرفین تا پایان دوره تعیین شده در قرارداد ملتزم به آن باقی بمانند و جز با توافق دو طرف قابل‌فسخ نیست؛ ولی در قراردادهای جایز امکان فسخ قرارداد ازسوی هر یک از طرفین وجود دارد. قراردادهایی که ماهیت مشارکتی دارند، قراردادهای جایز هستند که این بر مبنای اصل مقابله با کژمنشی است. گاه ممکن است طرفین قرارداد در یک تعامل راهبردی اطلاعات مساوی متقارن نداشته باشند. در احکام شرکت و عقود و ایقاعات مشابه ضوابطی در نظر گرفته شده است که از بروز این پدیده تا حد زیادی می‌کاهد. عقود مشارکتی اساساً قراردادهایی جایزند؛ یعنی طرفین هرگاه مایل باشند حق دارند آن را به هم زنند؛ پس انجام دادن یا ندادن هر عملی که موجب بدگمانی طرف مقابل شود، موجب استفاده او از حق به هم زدن قرارداد می‌شود که خودبه‌خود به نفع طرف دیگر نیست (صالحی و حیدری، ۱۳۹۶).

ب) تسهیم سود در عقود مشارکتی

در قراردادهای مالی بانکداری اسلامی مؤلفه متفاوت و متمایز دیگری در عقود مشارکتی، نظیر نسبت تسهیم سود (PSR) حاصل از پیامد پروژه، وجود دارد که می‌تواند در راستای ارائه قرارداد مالی با توجه به میزان تسهیم سود بهینه بین طرف‌های قرارداد مالی به کارایی این قرارداد منجر شود و بانک یا مدیر پروژه به‌دلیل هزینه‌دار بودن نظارت می‌تواند قدری از نظارت خود را کم کند و درعوض، سهم پیامد را از طریق اثر علامت‌دهی مؤلفه‌های قرارداد مالی افزایش دهد. به‌دیگرسخن، ازآنجاکه امکان حذف هزینه نظارت وجود ندارد، می‌توان با بهره‌مندی از رویکرد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

علامت‌دهی مؤلفه‌های قرارداد مالی از جمله نسبت تسهیم سود در عقود مشارکتی، برای تعدیل آن اقدام کرد (رنجبر، ۱۳۹۷).

کژمنشی زمانی رخ می‌دهد که در تعاملات بین بانک و مشتری یکی از طرفین معمولاً مشتری اطلاعات بیشتری در خصوص کارایی خود و میزان تلاش و کیفیت اقدام در اختیار دارد و این اطلاعات برای بانک قابل‌مشاهده نیست و نمی‌توان در قرارداد نیز به‌صورت صریح آن را وارد کرد و مشتری در شرایط عادی معمولاً از آن به نفع خود استفاده می‌کند و در چنین شرایطی بانک باید موقعیت‌هایی را تدارک نماید تا انگیزه برای مشتری ایجاد شود که از اطلاعات و توانایی خود به‌گونه‌ای استفاده کند که بانک نیز از نتیجه آن بهره‌مند شود. به‌عبارت‌دیگر، بانک باید قراردادها را به‌صورتی طراحی نماید که باوجود اطلاعات نامتقارن و عدم آگاهی از چگونگی به‌کارگیری تلاش و کوشش در حین اجرای قراردادهای مشارکت، حداکثر تلاش برای انجام فعالیت توسط مشتری به کار گرفته شود (زاهدی‌وفا و قوامی، ۱۳۹۰).

ازاین‌رو، می‌توان گفت: با تغییر نسبت تسهیم سود به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم عقود مشارکتی، احتمال بروز پدیده‌های اطلاعات نامتقارن ازسوی عامل به دلیل تقویت انگیزه وی در تسهیم پیامد پروژه را کاهش می‌دهد. بنابراین، در راستای بهبود کارایی انعقاد قرارداد می‌توان به تعدیل شاخص یادشده اقدام کرد؛ به‌نحوی‌که مؤسسه مالی ضمن کاهش درصد سهم خود از نسبت تسهیم پیامد پروژه سبب انگیزه عامل یا شریک در بهبود پیامد پروژه از طریق ایجاد انگیزه بیشتر شود و در نتیجه هر دو طرف از این تبادل درصد سهم مشارکت، برنده تلقی شوند (رنجبر، ۱۳۹۷)

ج) تخمین مقدار سود و تقبیل (قباله) سهم صاحب سرمایه به عامل

یکی از مباحث پیشرفته در بحث حل مشکل کژمنشی فعال کردن انگیزه طرفین برای انجام بهتر تعهدات است. نظریه «انگیزه‌ها» بخشی از نظریه «قراردادها» است که در آن انگیزه‌ها به‌عنوان موتور محرک فعالیت‌های انسانی و عامل شکل‌گیری تعاملات مطالعه می‌شوند. در این نظریه، تعاملات بازیگران اقتصادی معمولاً در قالب کارفرما و کارگزار در شرایط نبود تقارن اطلاعات تحلیل می‌شود؛ به‌گونه‌ای‌که رفتار شخص مطلع، مخالف منافع طرف دیگر قرارداد نباشد (الگوهای کژمنشی). نظریه «انگیزه‌ها» به‌دنبال فراهم آوردن شرایطی است که در آن با تحریک انگیزه‌ها، دو طرف قرارداد به سمت بهینگی حرکت کنند (طغیانی، صمدی و صادقی، ۱۳۹۴). تخمین و تقبیل (قباله) سهم یکی از شریکین به دیگری از مدل‌های پیشرفته ذیل قرارداد مشارکت است که با فعال کردن انگیزه طرفین، ثمرات زیادی در جلوگیری از کژمنشی خواهد داشت که در ادامه بحث خواهد شد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بررسی مدلول روایات

در آموزه‌های فقهی در کتاب مزارعه روایاتی وجود دارد[۱] که در آن به مسائلی همچون «تخمین» و «تقبیل، تقبّل، قباله» پرداخته شده است که در حل چالش تحقیق حاضر راهگشاست. برای توضیح بیشتر، ابتدا مدلول روایات بررسی می‌شود:

روایت اول: مرسله محمدبن‌عیسی: **محمد بن الحسن بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ(ع) إِنَّ لَنَا أَكَرَةً فَنُزَارِعُهُمْ فَيَقُولُونَ قَدْ حَرَزْنَا هَذَا الزَّرْعَ بِكَذَا وَ كَذَا فَأَعْطُونَاهُ وَ نحو نَضْمَنُ لَكُمْ أَنْ نُعْطِيَكُمْ حِصَّتَهُ عَلَى هَذَا الْحَزْرِ قَالَ وَ قَدْ بَلَغَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَا بَأْسَ بِهَذَا قُلْتُ فَإِنَّهُ يَجِيءُ بَعْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ لَنَا إِنَّ الْحَزْرَ لَمْ يَجِئْ كَمَا حَرَزْتَ قَدْ نَقَصَ قَالَ فَإِذَا زَادَ يُرَدُّ عَلَيْكُمْ؟ قُلْتُ لَا قَالَ فَلَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوهُ بِتَمَامِ الْحَزْرِ كَمَا أَنَّهُ إِذَا زَادَ كَانَ لَهُ، كَذَلِكَ إِذَا نَقَصَ** (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج۱۹، ص۵۰).

هرچند این روایت به‌دلیل وجود «بعض اصحابه» در سند آن مرسل محسوب می‌شود، اما به نظر می‌رسد تعبیر «بعض اصحابه» به معنای کسانی است که معتمد و مورد وثوق راوی بوده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰).[۲] بنابراین، از این حیث مشکلی در موثقه بودن روایت پیش نمی‌آید. محمدبن‌عیسی از یکی از شیعیان روایت می‌کند که به امام موسی‌بن‌جعفر(ع) گفت: «کشاورزانی برای ما کار می‌کنند و ما با آنها قرارداد مزارعه می‌بندیم. آنان به ما می‌گویند: ما تخمین می‌زنیم که این کشت، فلان مقدار محصول می‌دهد و ما سهم شما را بر این مقدار عهده‌دار می‌شویم. ما نیز به این شرط زمین را به آنان واگذار می‌کنیم. امام(ع) پرسید: آیا به این مقدار می‌رسد؟ گفتم: آری. امام(ع) فرمود: اشکال ندارد. گفتم: در پایان می‌گوید: محصول کاهش یافت و آن مقدار به دست نیامد! امام(ع) فرمود: اشکال ندارد. آیا درصورتی‌که افزایش می‌یابد، به شما می‌پردازد؟ گفتم: نه. امام(ع) فرمود: شما حق دارید تمام آن مقدار تخمین زده شده را از وی درخواست کنید. همان‌گونه‌که در صورت افزایش مقدار، افزوده برای کشاورزان است، همین‌طور در صورت نقصان، [به زیان آنهاست]».

روایت دوم: صحیحه سهل بن الیسع الاشعری: **مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى(ع) عَنِ الرَّجُلِ يَزْرَعُ لَهُ الْحَرَّاثُ الزَّعْفَرَانَ وَ يَضْمَنُ لَهُ عَلَى أَنْ يُعْطِيَهُ فِي كُلِّ جَرِيبِ أَرْضٍ يُمْسَحُ عَلَيْهِ وَزْنَ كَذَا وَ كَذَا دِرْهَماً فَرُبَّمَا نَقَصَ وَ غَرِمَ وَ رُبَّمَا اسْتَفْضَلَ وَ زَادَ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا تَرَاضَيَا** (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج۱۹، ص۴۹).

---

۱. باب ۱۴: بَابُ أَنَّهُ يَجُوزُ لِصَاحِبِ الْأَرْضِ وَ الشَّجَرِ أَنْ يَخْرُصَ عَلَى الْعَامِلِ وَ الْعَامِلُ بِالْخِيَارِ فِي الْقَبُولِ فَإِنْ قَبِلَ لَزِمَهُ زَادَ أَوْ نَقَصَ

۲. درس خارج فقه، ۱۳۹۰/۹/۲۲

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سهل گوید: «از امام موسی‌بن‌جعفر(ع) سؤال کردم: کشاورزان برای شخصی زعفران می‌کارند و کفالت می‌کنند که در هر جریب زمین، مقدار معینی زعفران، (که معادل یک درهم است) به آن شخص بدهند؛ ولی گاه محصول از این مقدار کمتر می‌شود و غرامت می‌پردازند و گاه بیشتر می‌شود. امام(ع) فرمود: در صورت رضایت آنها اشکال ندارد».

روایت سوم: صحیحه یعقوب بن شعیب: **مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ(ع) عَنِ الْمُزَارَعَةِ فَقَالَ النَّفَقَةُ مِنْكَ وَ الْأَرْضُ لِصَاحِبِهَا فَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ قُسِمَ عَلَى الشَّرْطِ وَ كَذَلِكَ قَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) خَيْبَرَ- أَتَوْهُ فَأَعْطَاهُمْ إِيَّاهَا عَلَى أَنْ يَعْمُرُوهَا عَلَى أَنَّ لَهُمْ نِصْفَ مَا أَخْرَجَتْ فَلَمَّا بَلَغَ التَّمْرُ أَمَرَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ رَوَاحَةَ فَخَرَصَ عَلَيْهِمُ النَّخْلَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ خَيَّرَهُمْ فَقَالَ قَدْ خَرَصْنَا هَذَا النَّخْلَ بِكَذَا صَاعاً فَإِنْ شِئْتُمْ فَخُذُوهُ وَ رُدُّوا عَلَيْنَا نِصْفَ ذَلِكَ وَ إِنْ شِئْتُمْ أَخَذْنَاهُ وَ أَعْطَيْنَاكُمْ نِصْفَ ذَلِكَ فَقَالَتِ الْيَهُودُ بِهَذَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ** (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج۱۸، ص۲۳۳).

یعقوب بن شعیب گوید: «از امام صادق(ع) درباره مزارعه سؤال کردم. امام(ع) فرمود: تو هزینه کشت را می‌پردازی و زمین‌دار، زمینش را می‌دهد. آنگاه آنچه خداوند عنایت فرمود، براساس قرارداد تقسیم می‌شود. این‌گونه پیامبر اکرم(ص) خیبر را به اهلش واگذار کرد. آنان نزد پیامبر(ص) آمدند و آن حضرت خیبر را به این شرط در اختیار آنان گذاشت که آن را آباد کنند و نصف محصولش برای آنان باشد. وقتی محصول خیبر رسید، پیامبر(ص) به عبدالله‌بن‌رواحه دستور داد تا خرمای درختان را برایشان تخمین بزند. عبدالله پس از تخمین خرمای خیبر، یهودیان را در انتخاب آزاد گذاشت و به آنان گفت: ما خرمای این درختان را به فلان مقدار تخمین زدیم. اگر می‌خواهید، آن را بردارید و نصف آن مقدار را به ما بپردازید و اگر بخواهید، ما آن را برمی‌داریم و نصف آن مقدار را به شما می‌دهیم. یهودیان گفتند: آسمان و زمین به این [عدالت] استوار است». افزون‌بر روایاتی دیگر در باب مزاعه، روایاتی نیز به همین مضمون در بحث بیع ثمار و همچنین، بحث نحوه گرفتن زکات آمده است.

بررسی فقهی قباله (تخمین و تقبّل)

از منظر فقهی در عقد مزارعه، برای هر کدام از زارع و مالک جایز است که در وقت بدوّ صلاح، حصه دیگری را به حسب تخمین، به مقدار معیّنی از محصول زراعت، با تراضی قبول نماید. مثلاً، چنانچه درختی بین دو نفر یا بیشتر مشترک باشد، یکی از آنان می‌تواند پس از تخمین، سهام بقیه را در مقابل مقداری معلوم از محصول تقبل نماید، مثل اینکه پس از تخمین مقدار میوه باغ، یکی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از شریکین به دیگری بگوید سهم خود را مثلاً به ده خروار از همین محصول باغ به تو واگذار نمودم و دیگری بگوید قبول کردم. تخمین محصول و معاوضه سهم یکی از طرفین به دیگری، بین فقهای عامه محل اختلاف است؛ ولی عالمان شیعه به‌طور مسلم قبول دارند که اصل تخمین و قباله در عقد مزارعه، عمل جایز و صحیحی است.[۱] از فقهای شیعه فقط ابن ادریس، آن را باطل می‌داند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج۲، ص۴۵۰). چهار مطلب مهم در این بحث وجود دارد: مطلب اول آن است که مراد فقها از تخمین (خرص) در اینجا چیست. در این رابطه، سه احتمال قابل‌ذکر است:

احتمال اول اینکه، مراد همان معنای لغوی تخمین باشد که درحقیقت، تنها یک اماره برای تشخیص مقدار محصول نهایی است. بنابراین، اعتماد بر تخمین تا وقتی حجت است که بعداً کشف خلافی در مقدار محصول رخ ندهد؛ اما چنانچه بعداً مشخص شد مقدار محصول نهایی با مقدار تخمین زده برابر نیست، دیگر تخمین قبلی حجیتی ندارد؛ ازاین‌رو، آن مقداری که از مقدار تخمین کمتر گرفته شده باشد، ضامن است و آنچه زیاد پرداخت شده، باید به مالک برگشت داده شود (همدانی، ۱۴۱۶، ج۱۳، ص۴۲۳). البته این احتمال، مخالف فتوای مشهور شیعه است و با ظاهر روایات که مقدار نقصان را ضامن نمی‌داند، سازگار نیست.

احتمال دوم، که از عبارات قدمای فقها استفاده می‌شود، این است که مراد از خرص و تخمین، آن آثاری است که بر تخمین مترتب می‌شود؛ به‌این‌معناکه خود تخمین، توافقی است که طی آن، محصول مشترک بین شریکین تقسیم می‌شود. بنابراین، تخمین یک نحوه تقسیم مال است که براساس آن، مقدار مالکیت محصول برای طرفین، مورد رضایت قرار می‌گیرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰).[۲]

احتمال سوم، آن است که تخمین، مقدمه‌ای برای نوعی معامله و مبادله جدید بین دو طرف باشد؛ به‌این‌معناکه براساس تخمین صورت گرفته، طرفین یک معامله جدیدی بنا می‌کنند؛ یعنی در طول تخمین، یک معامله انشایی جدید واقع می‌شود که طبق این توافق، اگر معلوم شد که مقدار تخمین، کمتر یا بیشتر از واقع بوده است، دیگر تأثیری ندارد. ازآنجاکه در روایات بعد از تخمین، از واژه «تضمین» استفاده شده است،[۳] ظهور در آن دارد که تخمین تنها مقدمه معامله جدیدی است (نجفی، ۱۴۰۴، ج۱۵، ص۲۵۸؛ منتظری، ۱۴۰۹، ج۲، ص۱۶۰).

---

۱. مسئله ۱۶. برای هرکدام از زارع و مالک جایز است که در وقت رسیدن حاصل، حصهٔ دیگری را به حسب تخمین، به مقدار معیّنی از حاصل زراعت، با تراضی قبول نماید و اقوی آن است که بعد از قبول، از دو طرف لازم می‌باشد؛ اگرچه بعد از آن معلوم شود که حصه‌اش زیادتر یا کمتر می‌باشد. پس کسی که قبول کرده، تمام آن مقدار به عهدهٔ او می‌باشد؛ ولو اینکه معلوم شود که حصهٔ طرف دیگر کمتر از آن است. چنان‌که بر طرف دیگر لازم است که آن را قبول کند؛ اگرچه معلوم شود که حصه‌اش بیشتر از آن است و حق مطالبه زیادی را ندارد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص۷۲۵).

۲. درس خارج فقه، ۱۳۹۰/۹/۲۰

۳. .... فَيَقُولُونَ قَدْ حَزَرْنَا هَذَا الزَّرْعَ بِكَذَا وَ كَذَا فَأَعْطُونَاهُ وَ نَحْنُ نَضْمَنُ لَكُمْ أَنْ نُعْطِيَكُمْ حِصَّتَهُ عَلَى هَذَا الْحَزْرِ...

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

طبق احتمال سوم، باید مشخص شود که ماهیت این معامله جدید کـه بعـد از تخمـین منعقـد می‌شود، چیست. فقها در پاسخ به این پرسش، سه نظر را مطرح کرده‌اند: بیع، صلح و عقد مستقل. مشهور فقها این توافق را عقد مستقلی دانسته‌اند. برخی از آنان، این عقد مستقل را همان‌طورکـه در لسان برخی روایات آمده است، تحت عنوان عقد قباله یا تقبیل قرار داده‌اند؛ البته بـه نظـر می‌رسـد عنوان تقبّل و یا قباله در روایات، به همان معنای لغوی است که به معنای قبول و پـذیرفتن زمـین یـا درخت می‌باشد و از همین جهت، لفظ قباله در مورد عقد اجاره و مزارعه زمین نیز اطلاق می‌شـود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰).[۱]

صاحب جواهر بیع بودن آن را به خلاف علامه حلّی بعید می‌داند؛ زیرا در روایات به بیع بـودن آن تصریح نشده است و همچنین، با چندین قاعده مخصوص بیـع مخالفـت دارد (نجفـی،۱۴۰۴، ج۲۴، ص۱۲۳). از جمله اینکه در بیع، ثمن و مثمن نمی‌تواند از یک جنس باشـد؛ زیـرا چنانچـه عوض و معوّض از یک جنس باشد، داخل در بیع محاقله و مزابنه می‌شود[۲] که اجماعاً باطل است و همچنین، در این حالت، اگر مقدار عوض و معوّض یکسان نباشد، ربای معاوضی خواهیم داشت. برخی دیگر شبهه غرری بودن این بیع را مطرح نموده‌اند که چون مقدار محصولِ آینده، هنوز محقق نشده است، مقدار ثمن غرری می‌باشد. البته ازآنجایی‌که صحت معاملـه تخمـین و قبالـه اجماعـاً صحیح است، چنانچه ماهیت آن، بیع باشد، از بیع محاقله و مزابنه استثناء می‌شـود. همچنـین، بـا توجه به اینکه ثمن، بخشی از محصول محقق شده است و مثمن، سهم انتظاری از محصول است، اساساً ثمن و مثمن از یک سنخ نبوده و شبهه ربا در آن مطرح نمی‌شود و اساساً مثمن از سنخ مکیل و موزون نمی‌باشد.

ازطرف‌دیگر، چون تخمین براساس یک نظر کارشناسی شکل گرفته است، این مقـدار جهالـت نیز غرر محسوب نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳)؛[۳] اما به نظر می‌رسـد بـا توجـه بـه چالش‌هـای مطرح، لزومی ندارد این عقد را ذیل عنوان عقد بیع قرار داد؛ بلکه برخی از فقها، عقد قبالـه را جـزء عقد صلح در نظر گرفته‌اند تا چالش محاقله و مزابنه و شبهه ربوی و غرری بودن مطرح نشود؛ زیـرا

---

۱. درس خارج فقه، ۱۳۹۰/۹/۲۱

۲. بیع محاقله، حرام و باطل است، و قدر متیقّن از حرمت، فروش سنبل گندم در برابر مقـدار معینـی دانـه گنـدم از همـان سنبل است. حکم فروش سنبل در برابر دانه گندم از غیر آن سنبل نیز بنابر مشهور فقها، همـین حکـم را دارد (بحرانـی، بی‌تا، ج۱۹، ص۳۵۵) فروختن میوه موجود بر نخل در برابر خرمای همان نخل، حرام و معامله باطل است و حتـی بنـابر نظر مشهور، در برابر خرمای دیگر نیز همین حکم را دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۴، ص۹۲).

۳. درس خارج فقه، ۹۳/۱۱/۲۵

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فقها مصالحه یک مال در مقابل بخشی از آن را جایز می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۴، ص۱۲۴). البته در نصوص مربوطه، هیچ اشاره‌ای به صلح بودن این عقد نشده است.

مطلب دوم آن است که این عقد، یک عقد لازم خواهد بود. چنانچه آن را بیع و صلح بدانیم، لازم بودن آن مشخص است و درصورتی‌که آن را عقد مستقل قرار دهیم، اصالت لزوم شامل آن می‌شود. ازاین‌رو، برای لازم شدن این عقد، باید از صیغه خاصی برای انشاء آن استفاده شود؛ درحالی‌که بسیاری از نصوص مربوطه، نسبت به نوع انشاء صیغه ساکت می‌باشد. دراین‌راستا برخی از فقها صیغه صلح را برای انشای عقد پیشنهاد داده‌اند. در مقابل برخی دیگر معتقدند برای انعقاد این عقد از همان لفظ تقبیل باید استفاده شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۴، ص۱۲۴).

مطلب سوم در مورد سود و زیان احتمالی برای شخص متقبّل (قبول‌کننده) است. مقتضای معامله و لازم بودن قباله، آن است که زیادت و نقصان، هر دو برای شخص متقبّل باشد (منتظری، ۱۴۰۹، ج۲، ص۱۶۱). روایات قباله[1] به این مطلب تصریح دارد که بعد از معاوضه سهم مالک از محصول به طرف مقابل، چنانچه محصول نهاییِ محقق شده، بیش از مقدار تخمین زده باشد و یا کمتر، در هر صورت، آن زیاده و نقصان، هر دو متعلق به شخص متقبّل است و متقبّل باید در هر دو صورت، مقدار سهم طرف مقابل را همان‌طورکه قرار گذاشته بودند، کامل پرداخت نماید. اما سؤال مهم در مسئله آن است که چنانچه مقدار محصول نهایی به دست آمده، از مقدار تخمین زده شده به حدّی کمتر بود که با آن نتوان مقدار سهم مالک زمین از مزارعه را پرداخت نمود، آیا عامل باید مقدار تفاوت بین محصول به‌دست‌آمده و مقدار سهم صاحب زمین را ضمانت نماید و از جیب بپردازد یا نسبت به آن ضامن نیست؟ صاحب جواهر معتقد است در این حالت، متقبّل (عامل) نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت ضامن نیست؛ زیرا این حالت نادرالوقوع است و روایاتی که نقصان را از جیب متقبّل می‌داند، شامل چنین مواردی نمی‌شود و از آن انصراف دارد. درنتیجه، متقبّل همه محصولِ محقق شده را به دیگری می‌دهد و نسبت به مابه‌التفاوت آن با سهم قرارداد شده، ضامن نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۴، ص۱۲۷). همچنین، تضمین سود برای صاحب سرمایه در عقود مشارکتی به‌طور مطلق، پذیرفتنی نخواهد بود؛ زیرا با روح تسهیم سود و زیان در عقود مشارکتی منافات دارد.

مطلب چهارم نیز آن است که مشهور فقها معتقدند چنانچه محصول نهایی به ثمر نرسید و همه محصول بدون افراط و تفریط تلف شد، برعهده شخص متقبّل، ضمانتی نسبت به تعهداتش به

---

۱. ... فَلَکُمْ أَنْ تَأْخُذُوهُ بِتَمَامِ الْحَزْرِ کَمَا أَنَّهُ إِذَا زَادَ کَانَ لَهُ، کَذَلِکَ إِذَا نَقَصَ...

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

طرف مقابل وجود ندارد و موظف به پرداخت ثمنی بـه او نیسـت. بـه‌عبارت‌دیگر، پرداخـت ثمـن توسط عامل به صاحب سرمایه، مشروط به سلامت محصول نهایی است.

توضیح مطلب چهارم به این صورت است که بعد از معاوضه (قباله)، سهم صاحب سرمایه در مقابل مقداری مشخص از محصول آینده، به عامل منتقل می‌شود. ثمن این معاوضه (همان مقـدار مشخص از محصول آینده) به‌صورت امانت در اختیار عامـل قـرار دارد. چنانچـه محصـول نهـایی بدون افراط و تفریط، تلف شود، ضمانتی نسبت به ثمن معاوضه برای شخص عامل (متقبّل) وجود ندارد (منتظری، ۱۴۰۹، ج۲، ص۱۶۱). ایـن حکـم منافـاتی بـا صـحت معاوضـه نـدارد؛ زیـرا در معاوضه (قباله)، ثمن در مقابل مثمن واقع شده است؛ به‌گونه‌ای‌که ثمن بخشی از مثمنِ محقق شده باشد. بنابراین، در صورت تلف شدن محصول نهایی، عوضین معامله هر دو با هم تلـف می‌شـود، بدون اینکه ضمانتی وجود داشته باشد. همچنین، اشتراط سـلامت محصـول نهـایی بـه ایـن معنـا نیست که در صورت تلف شدن محصول نهایی، عقد منفسخ می‌شود؛ بلکه می‌توان گفت: سلامت محصول نهایی شرطی ذیل عقد قباله و متعلق به ثمن معامله است. حتی چنانچه عقد قباله را نوعی صلح بدانیم که دو طرف نسبت به عوض و معوّض ضامن می‌باشند، باز هم می‌توان گفت در عقـد صلح، پرداخت عوض مشروط به سلامت معوّض لحاظ شده اسـت و منافـاتی بـا صـحت و بقـاء صلح ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۴، ص۱۲۵).

تعمیم موارد کاربرد قباله به سایر عقود مشارکتی

افزون‌بر مزارعه، در کتاب زکات نیز به جواز تخمین عاملان زکات برای غلّات چهارگانه اشاره شـده است[1] که از طرف حاکم شرع، بـا افـرادی کـه محصـول زکـوی داشـتند، از ایـن راهکـار اسـتفاده می‌کردند. بدین‌گونه‌که اهل خبره، مقدار غلّه را تخمین می‌زدند که آیـا محصـول زکـوی بـه نصـاب رسیده است یا خیر، و اگر زکات به آن تعلق گرفته اسـت، چـه مقـدار زکـات دارد. تخمـین مقـدار محصـول خرمـا و انگـور پـس از بـدوّ صـلاح کـه بنـابر مشـهور، زمـان تعلّـق زکـات بـه غـلّات می‌باشد، جایز است. این راهکار، نوعی تقویم و کارشناسی در کمیت محصول است و قبل از قطع و درو کردن محصول، این کار متعارف بوده است. در روایات هم آمده است که پیـامبرﷺ مقـوّم را می‌فرستادند تا زکات را بر مالکین تخمین زند. شاید حکمت این حکم نیز آن باشد کـه از ایـن راه، جلوی کژمنشی در پرداخت زکات گرفته می‌شود.

۱. [مسئله ۳۲]: یجوز للساعی من قبل الحاکم الشرعی خرص ثمر النخل و الکرم بل و الزرع علی المالک.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

همچنین، از روش تخمین و قباله در بیع ثمار نیز استفاده می‌شود. در بیع ثمار اثبات شده است که چنانچه درختی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از آن دو، حصه دیگری را بعد از تخمین میوه درخت تقبّل کند، شرعاً جایز می‌باشد و نقصان و زیادت محصول نهایی، بر عهده شخص متقبّل است.[۱] ازآنجایی‌که بیع ثمار بعد بدوّ صلاح صورت می‌پذیرفت، تا موقع رسیدن محصول نهایی انگیزه صاحب باغ رو به افول می‌رفت و امکان کم و کاستی از سوی او وجود داشت، زیرا او ثمن را ابتدائاً دریافت کرده بود، ازاین‌رو راهکار تخمین و تقبّل راهکاری مفید در بیع ثمار برای جلوگیری از کاهش انگیزه صاحب باغ خواهد بود. صاحب جواهر احتمال می‌دهد تقبیل در غیر ثمار هم جریان داشته باشد، به‌ویژه که اگر قباله نوعی صلح باشد که قابلیت جریان در دیگر موضوعات را هم دارد؛ زیرا اساساً حکمت مشروعیت تخمین و قباله، به‌دلیل ترس از خیانت طرف مقابل است تا از این راه بتواند نوعی بازدارندگی ایجاد نماید (نجفی، ۱۴۰۴، ج۲۴، ص۱۲۷).

با توجه به موارد مختلف کاربرد تخمین و تقبیل در ابواب مختلف فقهی، به نظر می‌رسد این شیوه مخصوص به عقد مزارعه نباشد و بتوان آن را در دیگر انواع عقود مشارکتی نیز جاری نمود. هرچند انواع عقود مشارکتی در برخی از احکامِ مختص به خود متمایز می‌باشند، اما دارای روح واحد مشترکی هستند. یکی از ارکان اصلی عقود مشارکتی، مشارکت کار و سرمایه است که همان جوهره اصلی عقلایی امضاء شده توسط شارع در عقود مشارکتی است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج۱، ص۷). همچنین، ریسک‌پذیری طرفین قرارداد، یکی دیگر از ارکان اصلی عقود مشارکتی محسوب می‌شود. منظور از ریسک‌پذیری، تمامی خطرات و خسارت وارد بر آورده فعالان اقتصادی در عقود مشارکتی، اعم از صاحبان سرمایه یا عاملان است (شاکری و توکلی، ۱۳۹۷). ازاین‌رو، به نظر می‌رسد احکامی که مرتبط با ارکان اصلی عقود مشارکتی باشد، قابلیت تعمیم به همه انواع عقود مشارکتی را داشته باشد؛ ولو که در ادله شرعی، فقط برای یک نوع خاصی از عقود مشارکتی مطرح شده باشد. دراین‌راستا، آیت‌الله هاشمی شاهرودی قاعده «**بطلان ربح ما لم یضمن**» را به‌عنوان یک قاعده کلی تعمیم داده است که مفاد آن، «ممنوعیت کسب سود از سرمایه بدون قبول ریسک سرمایه» می‌باشد؛ هرچند ممنوعیت سودبری صاحب سرمایه در فرض تضمین اصل سرمایه در عقد مضاربه مطرح شده است (۱۴۱۸، ص۲۲).

در موضوع تحقیق حاضر نیز به نظر می‌رسد تخمین و تقبّل سهم یکی از طرفین، حکمی است که به‌طور،خاص به عقد مزاعه منحصر نمی‌شود؛ بلکه یک راهکار مناسب برای مدیریت کژمنشی

۱. بَابُ أَنَّهُ إِذَا كَانَ بَيْنَ اثْنَيْنِ نَخْلٌ أَوْ زَرْعٌ جَازَ أَنْ يَتَقَبَّلَ أَحَدُهُمَا بِحِصَّةِ صَاحِبِهِ مِنَ الثَّمَرَةِ بِوَزْنٍ مَعْلُومٍ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج۱۸، ص۲۳۱)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و مخاطرات اخلاقی در عقود پرریسک مشارکتی است. این راهکار درعین‌حال که ریسک‌پذیری طرفین معامله را به رسمیت می‌شناسد به‌دنبال آن است تا راه سوءاستفاده فردی که عمل پنهانی او قابل‌مشاهده نیست، کنترل شود. استفاده ازاین‌روش در جمع‌آوری زکات نیز شاهد خوبی برای عدم انحصار آن در عقد مزارعه است.

تبیین الگوی برگزیده در عقود مشارکتی

براساس آموزه‌های فقهی-اسلامی، رابطه مؤسسه تأمین مالی اسلامی و مشتریِ متقاضی تسهیلات را می‌توان به‌گونه‌ای تنظیم نمود که کژمنشی متقاضی، تا حد قابل‌توجهی کنترل شود. انعقاد قرارداد مشارکت با در نظرگرفتن تخمین و قباله در ضمن آن، انگیزه متقاضی تسهیلات را برای تلاش بیشتر حداکثر می‌کند. قرارداد جدید مشارکت به این‌گونه تنظیم می‌شود که مؤسسه تأمین مالی اسلامی، بعد از ارزیابی دقیق پروژه‌های مشارکت پیشنهادی، درصد سهم‌بری طرفین قرارداد را مشخص می‌کند و همچنین مقدار سودآوری پروژه را به‌صورت اولیه تخمین می‌زند. مؤسسه تأمین مالی برای جلوگیری از مخاطرات اخلاقی ناشی از سوءاستفاده متقاضی تسهیلات، بعد از تخمین اولیه محصول پروژه و بر اساس درصد سهم عقد مشارکت، مقدار سود انتظاری خود از پروژه را اعلام می‌کند و آن را هدف سوددهی خود از شروع پروژه قرار می‌دهد.

مؤسسه تأمین مالی ضمن عقد خاص مشارکتی، سهم خود را از سود پروژه، به متقاضی تسهیلات که درواقع عامل عقد مشارکت است، طی عقد قباله واگذار می‌کند و متقاضی تسهیلات می‌پذیرد در مقابلِ دریافتِ سهم مؤسسه تأمین مالی از پروژه، مقدار معین محاسبه شده توسط مؤسسه تأمین مالی را به‌عنوان عوض آن سهم دریافتی، پرداخت نماید. بعد از پذیرش متقاضی تسهیلات، چندین حالت برای پروژه قابل تصویر است:

الف) مقدار سود محقق شده برابر با همان مقدار انتظاری تخمینی باشد: در این صورت سود به دست آمده طبق درصد توافق شده بین طرفین تقسیم می‌شود؛

ب) مقدار سود محقق شده بیشتر از مقدار انتظاری تخمینی باشد: در این صورت متقاضی تسهیلات موظف است فقط همان مقدار معین محاسبه شده توسط مؤسسه تأمین مالی را به او پرداخت نماید و بقیه آن را که بیشتر از مقدار محاسبه شده است، برای خود بردارد.

ج) مقدار سود محقق شده کمتر از مقدار انتظاری تخمینی باشد: در این صورت متقاضی تسهیلات همچنان موظف است مقدار معین محاسبه شده توسط مؤسسه تأمین مالی را به او پرداخت نماید و بقیه آن را که کمتر از مقدار محاسبه شده است، برای خود بردارد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

د) مقدار سود محقق شده کمتر از مقدار انتظاری تخمینی باشد؛ به‌گونه‌ای‌که حتی مقدار سود محقق شده از مقدار سهم محاسبه شده مربوط به مؤسسه تأمین مالی کمتر شود. در این صورت متقاضی تسهیلات فقط موظف است همان مقدار سود محقق شده را به مؤسسه تأمین مالی پرداخت نماید و نسبت به مقدار مابه‌التفاوت با مقدار معین محاسبه شده، ضمانتی ندارد؛ زیرا تضمین ذکر شده در روایات، از این حالت خاص انصراف دارد و شامل این حالت نمی‌شود. تضمین در این حالت خاص، مخالف با مقتضای عقود مشارکتی است که ویژگی اصلی آن، تسهیم سود و ریسک است و مخالف با قاعده ربح خواهد بود؛ زیرا تضمین سود صاحب سرمایه به‌طور مطلق در عقود مشارکتی، مخالف فتوای فقهاست.

ه) سود نهایی محقق نشود یا اینکه سود نهایی بدون افراط و تفریط تلف شود: در این حالت هیچ‌کدام از طرفین عائدی به دست نیاورده و متقاضی تسهیلات نیز نسبت به مؤسسه تأمین مالی ضامن نخواهد بود.

و) نه‌تنها سود حاصل نمی‌شود، بلکه اصل سرمایه نیز زیان می‌بیند: در این حالت ضرر به مؤسسه تأمین مالی اصابت می‌کند و متقاضی تسهیلات که عامل کار بوده است، مستحق سودی نخواهد بود؛ زیرا شاخصه مهم عقود مشارکتی، مشارکت در سود و زیان است.

در روش پیشنهادی هرچند ممکن است کژمنشی به‌طورکلی برطرف نشود، اما در جلوگیری از آن نقش بسزایی خواهد داشت. ازآنجایی‌که مؤسسه تأمین مالی، مقدار سود پیش‌بینی‌شده خود را از قبل، به عامل اعلام کرده، نسبت به سود محقق شده بیشتر از مقدار پیش‌بینی، استحقاقی ندارد. بنابراین عامل جهت سودآوری بالاتر، /تلاش بیشتری می‌کند و انگیزه‌ای برای پنهان کردن عملکردش نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

استفاده از فرآیند تخمین سود نهایی و واگذاری سهم صاحب سرمایه با تقبّل عامل، می‌تواند یکی از راهکارهای اصلی در مدیریت کژمنشی عامل در عقود مشارکتی محسوب شود که در آموزه‌های فقهی مربوط به مزارعه به آن اشاره شده است. هرچند این راهکار قابلیت تعمیم به دیگر عقود مشارکتی را دارد، اما تاکنون در بانکداری اسلامی به آن توجه نشده است. در الگوی پیشنهادی، صاحب سرمایه در عقود مشارکتی، با واگذاری سهم خود در مقابل مقداری مشخص از محصول نهایی، به‌روشنی انگیزه عامل را برای تلاش بیشتر فراهم می‌کند. این مشوق به‌گونه‌ای قرارداد مشارکت را شکل می‌دهد که آن طرفی که کاری را عهده‌دار شده، به میل خودش، عملی را که

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

موردقبول طرف دیگر است، انجام می‌دهد و در صورت تنبلی و سستی، فقط خودش را از سود نهایی محروم می‌کند. در این نوع قرارداد پیشنهاد شده، از طریق تشویق عامل، نوعی ریسک جدید بر دوش او قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای‌که زمینه تلاش بیشتر او را فراهم می‌کند. الگوی پیشنهادی در عقود مشارکتی را می‌توان با بیان ریاضی به این صورت تبیین نمود:

عقد مشارکت بین مؤسسه تأمین مالی و متقاضی تسهیلات مشارکتی (عامل) منعقد می‌شود. فرض می‌شود در عقد مشارکت، نسبت سهم مؤسسه تأمین مالی X و سهم متقاضی تسهیلات $(1 - X)$ است. سود انتظاری پروژه به‌صورت M و سود محقق شده نهایی با حرف N نشان داده می‌شود. ذیل عقد مشارکتی، مؤسسه تأمین مالی سهم انتظاری خود را از پروژه به طرف مقابل واگذار می‌کند و متقاضی تسهیلات نیز می‌پذیرد معادل $X.M$ را به مؤسسه تأمین مالی پرداخت نماید. پس از انعقاد قرارداد حالت‌های مختلفی قابل‌تصویر است:

الف) اگر $N = M$ باشد: در این صورت عامل $(1 - X).N$ را برمی‌دارد و معادل $X.M$ را به طرف مقابل پرداخت می‌کند؛

ب) اگر $N > M$ باشد: در این صورت عامل موظف است فقط معادل $X.M$ را به طرف مقابل بدهد و بقیه آن که عبارت است از $N - X.M$، را برای خود عامل (متقاضی تسهیلات) خواهد بود؛

ج) اگر $X.M < N < M$ باشد: در این صورت عامل همچنان موظف است فقط معادل $X.M$ را به طرف مقابل بدهد و بقیه آن یعنی $N - X.M$، به متقاضی تسهیلات تعلق می‌گیرد؛

د) اگر $0 < N < X.M$ باشد: در این حالت متقاضی تسهیلات فقط N را به طرف مقابل می‌دهد و برای خودش سودی باقی نخواهد ماند. عامل نسبت به مقدار $X.M$، ضامن نخواهد بود؛

هـ): اگر $N = 0$ باشد: در این صورت هیچ عایدی به طرفین نمی‌رسد و عامل هم ضامن هیچ مقداری نخواهد بود؛

و) نه‌تنها سودی حاصل نشده است، بلکه به اصل سرمایه هم ضرر وارد شده است: در این حالت، ضرر به صاحب سرمایه وارد می‌شود و عامل هم به‌ازای کاری که انجام داده است، مستحق چیزی نخواهد بود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲)، ترجمه تحریرالوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀.

۳. انس الزرقاء، محمد (۱۳۸۳)، «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش»، ترجمه منصور زراءنژاد، مجله اقتصاد اسلامی، ۴(۱۵)، ص۱۲۹-۱۵۳.

۴. بحرانی، یوسف (بی‌تا)، الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

۵. بهاروندی، احمد و سید رواح الله احمدی حاجی‌آبادی (۱۳۹۱)، «خطر اخلاقی و ارائه الگوی کاربردی کاهش آن در عقود مشارکتی»، ۱۷، ص۵۹-۸۵.

۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، درس خارج فقه: مراجعه به آدرس اینترنتی:
www.eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/feqh/93

۷. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البیت ﵈.

۸. ذوالفقاری، امیراحمد؛ رمضان‌علی مروی و ایرج توتونچیان (۱۳۹۹)، «نقش حافظه سیستم در اجرای صحیح قرارداد مشارکت بانکی در نظام بانکداری اسلامی»، اقتصاد اسلامی، ۲۵، ص۲۱۹-۲۵۲.

۹. رنجبر، منصور (۱۳۹۷)، «مقایسه کارایی عقد مضاربه با روش‌های تأمین مالی متعارف - رویکرد اثر علامت‌دهی مؤلفه نسبت تسهیم سود»، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۴(۱)، ص۶۱-۸۴.

۱۰. زاهدی‌وفا، محمدهادی و قوامی، سیدحسن (۱۳۹۰)، «الگوی مضاربه بر مبنای الگوی مدیر عامل در شرایط کژمنشی»، مجله پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۴)، ص۲۵۵-۲۳۹.

۱۱. شاکری، محمدجمال، و محمد جواد توکلی(۱۳۹۷)، «تحلیل ماهیت عقود مشارکتی»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، ۲۵۳، ص۵۱-۶۰.

۱۲. صالح‌نیا، نفیسه؛ تقی ابراهیمی‌سالاری و علیرضا پویا (۱۳۹۶)، «تأثیر خیارات بر کاهش عدم تقارن اطلاعات در بازار»، اقتصاد اسلامی، ۶۷، ص۱۲۱-۱۳۹.

۱۳. صالحی، زهره و محمدرضا حیدری (۱۳۹۶)، «الگوی نظام مبادله در اقتصاد اسلامی (با پافشاری بر تقارن اطلاعات)»، اقتصاد اسلامی، ۶۵، ص۱۱۹-۱۴۶.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۴. صدر، سیدکاظم (۱۳۸۴)، «انتخاب کارآمد ابزارهای مالی اسلامی و اطلاعات نامتقارن»، مجله نامه اقتصادی، ۱، ص۷۹-۹۸.

۱۵. طالبی، محمد و حسن کیایی(۱۳۹۱)، «ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران»، مجله تحقیقات مالی اسلامی، ۲، ص۳۷-۵۵.

۱۶. طغیانی، مهدی؛ سعید صمدی و زیبا صادقی (۱۳۹۴)، «تحلیل موضوع اطلاعات نامتقارن در قراردادهای مشارکتی بانکداری بدون ربا و راهکارهای آن»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۳، ص۵-۳۴.

۱۷. عبدلی، قهرمان؛ محسن مهرآرا و رضا محمدپور(۱۳۹۶)، «اخلاق در بانکداری اسلامی با تأکید بر نظریه اطلاعات نامتقارن: کاربست بازی‌های بیزین»، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۹، ص۱۳۹-۱۶۰.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه،

۱۹. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹)، کتاب الزکاة، قم: مرکز جهانی مطالعات اسلامی.

۲۰. نجفی (صاحب الجواهر)، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحیاء التراث‌العربی.

۲۱. نصرآبادی، داود، و احمد شعبانی (۱۳۸۷)، «چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن»، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱، ص۷۷-۱۱۲.

۲۲. نظرپور، محمدنقی، و یحیی لطفی‌نیا (۱۳۹۳)، «اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی در بانکداری اسلامی به کمک صندوق‌های پروژه‌محور»، مجله تحقیقات مالی اسلامی، ۷، ص۱۰۷-۱۳۴.

۲۳. هاشمی شاهرودی (۱۳۹۰)، درس خارج فقه، رجوع به آدرس اینترنتی:
ww.eshia.ir/feqh/archive/text/shahroudi/feqh/90

۲۴. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۴۱۸)، قاعده بطلان ربح ما لم یضمن، نشریه منهاج، ۶، ص۷-۴۴.

۲۵. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۴۳۲)، کتاب المضاربه. قم: بنیاد فقه و معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۲۶. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶)، مصباح الفقیه، قم: مؤسسة الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی.

۲۷. یوسفی، احمد؛ کمیل قنبرزاده و علیرضا کلاهدوزان(۱۴۰۱)، «بررسی فقهی کسب سود بدون قبول ریسک»، اقتصاد اسلامی، ۸۷، ص۵-۲۲.

28. Warde, Ibrahim (2000), Islamic Finance in the Global Economy, UK: Edinburgh University Press.

29. Watt, Richard (2011), The Microeconomics of Risk and Information, US: Palgrave Macmillan.

Archive of SID.ir